

بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تفکر فلسفی در باب «شیر و گاو» از کلیله و دمنه

شیوا ناشودی، محبوبه ضیاءخدادادیان*، فرزاد عباسی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

سال هفدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۵، صص ۲۹۳-۳۰۹

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.17.7229

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: تفکر فلسفی مقوله‌ای است که کودکان را برای بدل شدن به انسانی اجتماعی و در عین حال، اهل فکر و تحلیل یاری میرساند و موانع شناختی موجود را تا حد زیادی رفع میکند. در واقع، بواسطه آشنایی کودکان با مؤلفه‌های تفکر فلسفی، میزان شناخت و گستره درک فردی و اجتماعی آنها رشد پیدا میکند. متون ادبی بویژه آثاری که برای کودکان نوشته شده‌اند، در تبیین مفاهیم مرتبط با تفکر فلسفی تأثیر شگرفی دارند. در گستره ادبیات فارسی، آثار متعددی خلق شده‌اند که از مؤلفه‌های مرتبط با این مقوله برای تبیین مطالب گوناگون انسان‌ساز و رشددهنده استفاده کرده‌اند. در این بین، نصرالله منشی در کلیله و دمنه از این شگردها بهره‌برداری کرده است. در تحقیق حاضر، اصلیت‌ترین و پرتکرارترین شگردهای نصرالله منشی در باب شیر و گاو از کتاب کلیله و دمنه که منجر به تفکرزایی فلسفی گردیده، کاویده شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که روشهای تفکرآفرینی فلسفی در باب مذکور از کلیله و دمنه چه بوده است؟

روشها: این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: نویسنده سعی کرده است به مؤلفه‌های متنوعی از تفکر فلسفی همچون: «تصمیم‌گیری؛ حل مسئله؛ تجزیه و تحلیل؛ قیاس و سنجش؛ پرسشگری؛ مهارت کشف؛ استدلال» اشاره کند و این شاخصه‌ها را در مخاطبان بویژه گروه کودکان رشد دهد.

نتیجه‌گیری: کتاب مذکور از ظرفیتهای لازم برای بازنمایی مسائل گوناگون فردی و گروهی برای مخاطبان عام و خاص (کودکان) برخوردار بوده و میتوان از لایه‌های فکری مستتر در آن برای تلقین و آموزش غیرمستقیم تفکر فلسفی به کودکان استفاده کرد.

تاریخ دریافت: ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۳۱ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۵ تیر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۳۱ مرداد ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

نصرالله منشی، کلیله و دمنه، تفکر فلسفی، کودک، اندیشه.

* نویسنده مسئول:

m.zia.khodadadian@iauneyshabur.ac.ir

۰۱۹۰۱۴۲۶۲۱۹۰۱ (+۹۸ ۵۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Investigation and analysis of the components of philosophical thinking about "milk and cow" by Kelila and Demneh

Sh. Nashoodi, M. Ziakhodadadian*, F. Abbasi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabor, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 20 May 2023

Reviewed: 21 June 2023

Revised: 06 July 2023

Accepted: 22 August 2023

KEYWORDS

Nasrollah Monshi, Kelila and Demneh, philosophical thinking, child, thought.

*Corresponding Author

m.zia.khodadadian@iauneyshabur.ac.ir

(+98 51) 42621901

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Philosophical thinking is a category that helps children to become social human beings and at the same time, people of thinking and analysis, and removes the existing cognitive barriers to a great extent. In fact, by familiarizing children with the components of philosophical thinking, the amount of knowledge and scope of their personal and social understanding grows. Literary texts, especially works written for children, have a tremendous impact in explaining concepts related to philosophical thinking. In the field of Persian literature, many works have been created that have used the components related to this category to explain various human-building and developmental content. In the meantime, Nasrollah Monshi in Kelila and Demneh has taken advantage of these tricks. In the present research, the main and most frequent methods of Nasrollah Monshi in the chapter on milk and cow from the book Kelila and Demneh, which led to philosophical thinking, have been explored in order to answer the question of what were the methods of philosophical thinking in the mentioned chapter of Kelila and Demneh?

METHODOLOGY: This research was done based on library sources and descriptive-analytical method.

FINDINGS: The author has tried to understand various components of philosophical thinking such as: "decision making; Problem solving; analyze; comparison and measurement; questioning; discovery skills; "Argument" and develop these characteristics in the audience, especially children.

CONCLUSION: The mentioned book has the necessary capacities to represent various individual and group issues for general and special audiences (children) and it is possible to use the intellectual layers hidden in it to indirectly teach philosophical thinking to children.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.17.7229](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7229)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 17	 0	 0

مقدمه

کودکان یکی از مهمترین گروه‌های سنی در هر جامعه‌ای محسوب میشوند؛ زیرا آینده کشور و مردمان یک جامعه با توجه به کیفیت آموزش و پرورش آنها پایه‌گذاری میشود. درواقع، میتوان این کودکان را با نگاهی تمثیلی، محصولاتی دانست که به هر شکل مراقبت شوند و پرورش پیدا کنند و از خطر بلایا در امان بمانند، به همان اندازه محصول میدهند و میتوانند سودآفرین باشند. در سوی دیگر، عدم مراقبت بهینه از این گروه سنی، از آنها عنصرهای نامطلوبی در جامعه میسازد و هزینه‌های زندگی آرمانی را افزایش میدهد. بنابراین، همه‌روانشناسان، محققان حوزه علوم اجتماعی و مشاوران تربیتی و... در تلاش هستند تا با ارائه راهکارهای گوناگون، زمینه‌های لازم را برای رشد و تعالی هرچه بهتر کودکان فراهم کنند.

بسیاری از این روشها با حوزه سلامت جسمانی کودکان سروکار دارد، ولی شیوه‌ها و راهکارهای پیشنهادی دیگری در ارتباط با سلامت روح و اندیشه کودکان موردنظر قرار گرفته است تا همه ابعاد شکوفایی این گروه سنی موردنظر قرار بگیرد. کودکانی که از رشدی مطلوب و مناسب در حوزه‌های سلامت جسم و روان برخوردار باشند، قطعاً هزینه‌های کمتری برای جامعه ایجاد میکنند؛ زیرا میتوانند مشکلات بسیاری را در سالهای آینده حل و رفع کنند. یکی از حوزه‌هایی که به سلامت روح کودکان اهمیت میدهد، فلسفه است. پژوهشگران این شاخه علمی سعی کرده‌اند با در نظر گرفتن ظرفیتهای یادگیری این گروه سنی، موضوعات تفکرزا را با روشهای گوناگون در اختیار کودکان قرار دهند تا آنها از همان ابتدا با مفهوم اندیشه و کارکردهای آن آشنایی پیدا کنند و با مسائل گوناگون شناختی و زیستی با رویکردی تحلیلی و انتقادی روبرو شوند. با اتخاذ چنین روشهایی است که کودک میتواند خود واقعی را بهتر بشناسد و با شکوفاسازی ظرفیتهای درونی خویش، به عنصری مطلوب بدل شود. بر این اساس، ون‌سی‌لگم اعلام کرد که برنامه فلسفه برای کودکان، تجربه آموزشی بوده و اشکال کلاسیک آموزش و پرورش را نقد میکند (Vansieleghem, 2010) و مبانی آن را به چالش میکشد. درواقع، او باور داشت که تفکر فلسفی ناکارآمدی سیستم آموزش و پرورش کودکان در بعضی جهات را آشکار میکرد. درنتیجه، میتوان این برنامه را نوعی راهکار برای برون‌رفت از ورشکستگی تربیتی آموزش و پرورش دانست. آنها تلاش کرده بودند تا کیفیت علمی و شناختی دانش‌آموزان را تقویت کنند.

در سایه تلاشهای لیپمن و همقطاران او، فلسفه برای کودکان بصورت گسترده‌ای رشد کرد و موردقبول همه سیستمهای آموزشی واقع شد و «در بیش از پنجاه کشور دنیا مورد استفاده قرار گرفت». (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱) امروزه این برنامه به شیوه‌های مختلف و با تغییراتی چند در شکل اجرا و محتوای داستانی آن در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار میگیرد.

مضامین فلسفی ریشه‌ای دیرینه در تاریخ تمدن و فرهنگ بشری دارد و متعلق به دوران معاصر نیست. با توجه به ماهیت چندوجهی فلسفه، موضوعات مرتبط با این شاخه علمی، صرفاً در آثار فلسفی منحصر و محدود نمانده و مصداقها و نمودهای آن در شاخه‌های دیگر دانش بشری نفوذ کرده و مورد استفاده قرار گرفته است. براساس این پیش‌انگاره، در متون ادبی هم شاهد برجسته‌شدن بسیاری از موضوعات فلسفی هستیم.

در گستره ادب فارسی، شخصیت‌های بسیاری ظهور کرده‌اند که از فلسفه سخن گفته‌اند و مبانی آن را با عنایت به رویکردهای ویژه خود انتشار داده‌اند. حتی نقدهایی هم در این متون صورت گرفته و با ایجاد چالشهای علمی، موضوعات فلسفی رشد و نمو پیدا کرده است. اگرچه هدف اصلی و غایی شاعر یا نویسنده آن اثر، طرح و باز کردن مسائل غامض فلسفی نبوده است، ولی با توجه به نیازهای جامعه آن روز، مباحثی را شرح داده است. جالب آن

است که حتی امروزه هم میتوان آن مسائل را مورد بررسی قرار داد؛ زیرا هنوز بعنوان دغدغه بشری محسوب میشود. در میان این آثار میتوان به کلیله و دمنه از نصرالله منشی اشاره کرد که اگرچه در تاریخ ادبیات فارسی بعنوان اثری فلسفی شناخته نمیشود، دارای سوییجهایی فلسفی و اندیشه‌زا است که برای رشد فکری و رفتاری گروه‌های مختلف سنی از جمله کودکان، تأثیرگذار است. در واقع، گروه‌های سنی، فکری و اعتقادی گوناگون میتوانند این کتاب را مطالعه کنند و برداشتهایی از آن داشته باشند که با سطح درک و دانش آنها سازگاری دارد. امکان تأویل‌پذیری و تفسیرپذیری این اثر را میتوان یکی از دلایل مانایی آن در گستره ادب فارسی دانست. کیفیت قلم منشی برای گروه سنی کودکان هم مناسب است. اگرچه بسیاری از کلمه‌ها و اصطلاحات ثقیل در این اثر دیده میشود، ولی میتوان با ساده‌سازی این موارد، امکان درک اندیشه‌های نویسنده را فراهم آورد و غنای فکری او را در اختیار کودکان قرار داد تا رشد فکری مطلوبتری را تجربه کنند. مسئله اصلی و محوری تحقیق حاضر این است که تفکر فلسفی و محورهای آن که نقش برجسته‌ای در رشد و شکوفایی فکری کودکان دارد، در باب شیر و گاو از کتاب کلیله و دمنه مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد تا داشته‌های فکری نصرالله منشی و البته، ظرفیتهای توانمندبهای محتوایی کتاب او از دریچه نقد فلسفی کاویده شود.

اهداف تحقیق

هدف اصلی در تحقیق حاضر، بررسی راهها و روشهای آموزش اندیشیدن فلسفی در کتاب کلیله و دمنه و بهره‌برداری از قابلیت‌های این اثر کهن برای زندگی روزمره است. یکی دیگر از هدفهای تحقیق، بازشناسی گستره اثرگذاری متون کلاسیک فارسی همچون کلیله و دمنه در ابعاد جزئی زندگی انسان ایرانی معاصر میباشد.

سوالات تحقیق

- ظرفیتهای کلیله و دمنه برای آموزش تفکر فلسفی به کودکان چگونه است؟
- مؤلفه‌های اصلی تفکرزایی فلسفی برای کودک که در اثر مذکور دیده میشود، کدام است؟

روش تحقیق

این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده است. برای ارائه تحلیل و خوانشی متنوع از آرای نصرالله منشی در پیوند با کودکان و تفکر فلسفی آنان، از چهارچوبهای مرتبط با مقوله تفکر فلسفی استفاده شده است. از این طریق، امکان بررسی سطح و ژرف‌ساخت متن تولیدی و مفاهیم مستتر در آن فراهم میشود. ساختار کلی مقاله به این صورت است که در گام اول، جامعه آماری موردنظر یعنی کلیله و دمنه از نصرالله منشی و حجم نمونه تحقیق یعنی باب شیر و گاو از این کتاب، مشخص گردیده است. در گام بعدی، منابع موردنظر گردآوری شده است. دلیل گزینش اثر مذکور این بوده است که منشی سعی کرده است زیباترین و بهترین ابعاد قریحه ادبی خود را در وادی داستانسرایی و قصه‌نویسی در قالب این اثر، بویژه باب شیر و گاو انعکاس دهد. او موضوعات گوناگون فردی و جمعی را در کلیله و دمنه بازنمایی کرده و شرایطی را رقم زده است تا از من اجتماعی سخن به میان آید و کیفیت تفکر فلسفی به یک گروه سنی خاص یعنی کودکان آموزش داده شود. پس از دستیابی به این اثر و منابع مرتبط با مقوله تفکر فلسفی، ابتدا تمامی بخشهای کلیله و دمنه که در آن، نموده‌های تفکر فلسفی

بصورت صریح ذکر شده است، گزینش شده و در گام بعدی، همه شواهد مثالی دسته‌بندی گردیده و ذیل تیتراهای مرتبط با تفکر فلسفی قرار گرفته و تحلیل شده است.

پیشینه تحقیق

بررسیها نشان میدهد که تاکنون در هیچ پژوهشی به مقوله تفکر فلسفی کودکان در کلیله و دمنه پرداخته نشده و این موضوع برای اولین بار مورد نظر قرار گرفته است. در شماری از پژوهشها به این امر پرداخته شده است که در ادامه به مهمترین دستاوردهای آن اشاره میشود. اکبری (۱۳۹۱) در رساله خود به مضامین فلسفی در داستانهای متون کلاسیک ادب فارسی با رویکرد به مقوله فلسفه برای کودکان (p4c) پرداخته است. از دید نویسنده، تهیه مضمونی فلسفی برگرفته از داستانهای متون کلاسیک ادب فارسی و بازنویسی آنها مطابق سنین کودکان بمثابة رویکردی عام جهت تدریس نحوه تفکر به کودکان میتواند ابعادی همچون فرایند تفکر، محتوای فلسفی، غنای ادبی، و فرهنگ-وابستگی را مورد ملاحظه قرار دهد. اکبری و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای سعی کرده‌اند با نظرداشت مبانی فلسفه برای کودکان، درونمایه‌های فلسفی داستانهای متون کلاسیک فارسی را بکاوند. نتیجه آنکه در متون کلاسیک ادب فارسی داستانهایی با مضمون هستی‌شناسانه، شناخت‌شناسانه و ارزش‌شناسانه وجود دارد که در برخی از این داستانها میتوان چندین مسئله فلسفی را دنبال کرد. همچنین، میتوان بجای توجه به رویکردهای منفرد در برنامه فلسفه برای کودکان، رویکرد بدیلی را تعبیه کرد تا فلسفه بمثابة روش، محتوا، ادبیات و فرهنگ بصورت توأمان مورد توجه قرار گیرد. اکبری و مسعودی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به موضوع فلسفه برای کودکان و رویکردهای تربیت دینی به آموزش تفکر پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که رویکرد مذکور مبتنی بر عقلانیت به دو شکل همگانی و نخبه‌پرور از یکدیگر متمایز هستند. سام‌خانی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به مهارتهای تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان غلامرضا بکتاش و ناصر کشاورز پرداخته‌اند. از دید نویسنده‌ها، مهارتهای تفکر فلسفی بصورت غیرمستقیم در شعر این دو سراینده به کودکان آموزش داده میشود و کودکان با خواندن این اشعار میتوانند قدرت استدلال پیدا کرده و با کنجکاوی و مهارت کشف بیشتری، امور معمولی زندگی را دنبال کنند. در نتیجه اعتماد به نفس خویش را تقویت میکنند. آموزگاری (۱۴۰۰) در رساله خود، پنج اثر (سیاستنامه، قابوسنامه، کلیله و دمنه، مرزباننامه و سندبادنامه) را با برنامه فلسفه برای کودکان یا p4c تطبیق داده و به این نتیجه رسیده است که پنج کتاب مذکور، دارای مفاهیم اخلاقی و آموزه‌های تربیتی متعددی هستند که در قالب داستانهای نسبتاً کوتاهی ارائه شده‌اند. بیشتر داستانهای این کتابها به لحاظ پردازش و نیز مباحث مطرح‌شده، دارای جذابیت و قابلیت مناسبی برای کودکان هستند.

مفاهیم تخصصی تحقیق

تفکر فلسفی کودک: در نگاه اول، فلسفه برای کودکان امری غریب به نظر میرسد و این پرسش پیش می‌آید که آیا میتوان مبانی فلسفی را برای کودکان تبیین کرد؟ بدیهی است که فلسفه به آن معنا که برای افراد بزرگسال مورد نظر قرار میگیرد، برای کودکان قابلیت آموزش ندارد، بلکه زمانی که از تفکر فلسفی برای کودکان سخن به میان می‌آید، منظور این است که با تکیه بر روشهای فلسفی که منجر به اندیشیدن میشود، قدرت تفکر کودکان ارتقا پیدا میکند و آنها را نسبت به مسائل پیرامون از رویکردی استدلالی و فلسفی برخوردار میسازد. طبیعتاً روشهایی که در فلسفه برای پی بردن به موضوعات گوناگون و رسیدن به شناختی درخور استفاده میشود، برای

کودکان در سطحی ساده‌تر و ابتدایی‌تر، اثرگذار است. «فلسفه به شکل یک برنامه مدون و با عنوان فلسفه برای کودکان، طی چهار دهه اخیر در آمریکا با تلاشهای لیپمن و با هدف رشد تفکر در کودکان در دانشگاه مونتکلیر پایه‌ریزی شد. زمانی که لیپمن نسبت به سطح و کیفیت استدلال ارائه‌شده توسط شهروندان تحصیلکرده آمریکایی دچار نگرانی شد.» (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱) او با بررسیهای گوناگون به این نتیجه رسید که تحولاتی در نوع آموزش و تربیت کودکان از مراحل اولیه حضور در مدارس ضرورت دارد. درواقع، این کودکان نباید صرفاً به فراگیری درسهای مشخص شده از قبل مشغول شوند، بلکه آموزشهای دیگری نیاز است تا قدرت تفکر در آنها ارتقا پیدا کند و ابعاد جدیدی از درک و شعور آنان را گسترش و رشد دهد.

پژوهشگرانی که همفکر لیپمن بودند به این نتیجه رسیده بودند که آموزش قدرت استدلال و شیوه فکر کردن میتواند دانش آموزان را در مسیر درستتری قرار دهد و کیفیت آموزش و یادگیری آنان را به میزان قابل توجهی ارتقا بخشد. او کودکانی را دیده بود که در سایه تربیت از طریق تفکر فلسفی، خودباور و اهل تحلیل شده بودند و توان اظهارنظر درباره مسائل گوناگون زندگی - نه صرفاً مسائل درسی و علمی - را داشتند. «فلسفه برای کودکان، برنامه‌ای آموزشی است که هدفش، پرورش تفکر و استدلال در کودکان است و در پی تربیت کودکانی متفکر، آگاه و هدفمند است. حتماً لازم است توجه داشته باشیم که فلسفه در اینجا با عقاید و آرا فلسفی فیلسوفان ارتباطی ندارد، بلکه به مهارتهایی از فلسفه میپردازد که با جنبه‌های شناختی، عاطفی و فکری مرتبط است. درحقیقت، آموزش فلسفه عبارت از یاد دادن چگونه اندیشیدن است. آموزش پرسیدن و چگونه پرسیدن.» (فائدی، ۱۳۹۴) ماتیو لیپمن باور داشت که تفکر فلسفی باعث میشود تا کودکانی منتقد پرورش دهیم. «براساس نظریات همین فیلسوف بود که شاخه جدیدی به نام فلسفه برای کودکان شکل گرفت. این فلسفه را در معنای فلسفه‌ورزی به کار برد. کاری که کودکان میتوانند آن را انجام دهند و بطور ذاتی مستعد انجام آن هستند.» (همان)

لیپمن باور داشت که اگر تفکر فلسفی در کودک شکل بگیرد، ویژگیهایی در او نمود پیدا میکند که عبارتند از: «جستجوی مسئله، فهم قضاوتها، سؤال کردن، انسجام فکری، مشاهده تناسبها، ارتباط برقرار کردن میان امور، تمرکز پیدا کردن روی مسئله، طبقه‌بندی کردن، ارائه دلیل، صورتبندی معیارها، نگاه کردن به امور از منظر وسیعتر، استفاده از مثال، تحلیل جملات و عبارتها، مطالعه و ادراک پیشفرضها، ساخت و ارائه توصیفها و تبیینها، کشف جانشینها، دریافت دلالتها، تعمیم دادن، گوش دادن فعال، سعه صدر پیدا کردن، بیطرف بودن، مشارکت پیدا کردن در ایده‌ها و تفکرات، مسائل را از دید دیگران دیدن، احترام گذاشتن به دیگران، شجاعت فکری پیدا کردن، بازنگری خود و اصلاح خویشتن.» (صفای مقدم، ۱۳۷۷)

سه هدف اصلی برای اجرای برنامه فلسفه برای کودکان وجود دارد: «۱. پرورش قدرت تفکر چندبعدی در کودکان که در نتیجه آن توانایی استدلال، داور، خلاقیتهای فکری و تفکر دقیق در آنها پرورش مییابد. ۲. تربیت مردان و زنانی که در پیچ و خمهای زندگی ماشینی و الکترونیکی امروز با حجم بالای اطلاعات و فناوری بتوانند در زندگی روزمره‌شان، بر سر دوراهیها تصمیمهای درست بگیرند. ۳. مسئولیت‌پذیری، جامعه‌پذیری، انعطاف‌پذیری و درونی - شدن رفتارهای اخلاقی در کودکان.» (فیشر، ۱۳۸۵: ۲۶۸)

بحث و بررسی

یکی از سوبه‌های اصلی که در باب شیر و گاو از کلیله و دمنه دیده میشود، ارائه مسائل متنوع اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و... به گروه هدف است تا راه و روش درست زیستن به آنها نشان داده شود. درواقع، نویسنده از طریق

خلق شخصیت‌هایی غیر از انسان، سعی کرده است بسیاری از بدیها و کژیهای رفتاری را در کنار ابعاد مطلوب اخلاقیات مطرح کند تا در ذهن شنونده حالتی مقایسه‌ای پدید بیاورد و او را وادار به داوری، اندیشه، تصمیم‌گیری و... نماید. این نیت و غرض نصرالله منشی، دقیقاً همان اهدافی است که در تفکر فلسفی پیش‌بینی و بر آن تأکید شده است. در ادامه، مهمترین مؤلفه‌هایی که در این باب از کلیله و دمنه منجر به تفکرزایی فلسفی در مخاطبان بویژه کودکان میشود، مورد بررسی و تحلیل قرار میگیرد.

۱. استدلال

باید توانایی منطقی را در کودکان پرورش داد. چنین روشی ضروری به نظر میرسد. (کریمی، ۱۳۸۳: ۸۰) آوردن دلیل برای موضوعات گوناگون، باعث میشود تا کودک به فردی منطقی بدل شود. او درمییابد که باید براساس چنین نشانه‌ها و مصداقها در کنار هم، به نتیجه برسد. تفکر فلسفی این امکان را فراهم می‌آورد تا فرد بتواند تفکر استدلالی را فراگیرد.

در باب شیر و گاو، نصرالله منشی بارها به این کارکرد تفکر فلسفی اشاره کرده است. در بخشی از داستان، یکی از بازرگانها به پسران خود توصیه میکند تا کارهایی را انجام دهند و از انجام کارهایی بپرهیزند. او مجموعه‌ای از علتها را بازگو میکند و در ادامه معلول را هم بازگو میکند تا با ذکر شماری از استدلالها، به فرزندان خود که از کسب و کار اغراض میگردند، هشدار دهد و آنها را از عواقب کارشان آگاه سازد: «هرکه از این چهار خصلت یکی را مهمل گذارد، روزگار حجاب مناقشت پیش مرادهای او بدارد؛ برای آنچه هرکه از کسب اغراض نماید نه اسباب معیشت خویش تواند ساخت و نه دیگران را در تعهد خویش تواند داشت و اگر مال به دست آرد و در تثمیر آن غفلت ورزد، زود درویش شود ... پسران بازرگان، عِظت پدر بشنوندند و منافع آن نیکو بشناخت». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

کلیله و دمنه با ذکر مجموعه‌ای از دلایل، سعی دارند گفتمانهای موردنظر خود را برای دیگری شرح دهند و برتری دیدگاه خود را از راه استدلال‌آوری ثابت کنند. این فرهنگ گفتگومداری در دوره‌ای مطرح میشود که در غالب موارد، زورآزمایی و سلسله‌مراتب اجتماعی مشخص میکند که چه کسی برتری دارد. با این حال، نصرالله منشی در قالب شخصیت‌های حیوانی به موضوع مهم استدلال‌آوری در ارتباطهای انسانی اشاره میکند: «حکما گویند بر سه کار اقدام نمایند مگر نادان: صحبت سلطان، چشیدن زهر به گمان و سرگفتن با زنان. و علما پادشاه را به کوه بلند تشبیه کنند که در او انواع ثمار و اصناف و معادن باشد، لکن مسکن شیر و مار و دیگر مودیات که بر رفتن در وی دشوار است ... دمنه گفت: راست چنین است، لکن هرکه از خطر بپرهیزد، خطیر نگردد». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

در این باب، گاو سعی میکند با طرح مجموعه‌ای از استدلالها، واکنش و تصمیم شیر را ریشه‌یابی و علت‌جویی کند. از دید او، دیدگاه شیر نسبت به خودش، منطقی نیست. او به نقد این رفتار میپردازد و با ذکر دلیلهای گوناگون، سعی میکند به نتیجه‌ای متقن دست پیدا کند تا براساس آن، علیه اقدام غیرمنطقی شیر، تصمیم‌گیری کند. تبیین رفتار این دو حیوان، مخاطب را در برابر جریان گفتگومحوری و بیخردی قرار میدهد و امکان مقایسه را برای شنونده فراهم می‌آورد: «اگر شیر را از من چیزی شنوانیده‌اند و باور داشته است موجب آزمایش دیگران بوده است و مصداق تهمت من خیانت ایشان است. و اگر این هم نیست و کراهیت بی‌علت است، پس هیچ دستاویز و پای بر جای نمآند. چه سخط چون از علتی زاید استرضا و معذرت آن را بردارد و هرچه به زرق و افترا ساخته شود، اگر به نفاذ رسد دست تدارک از آن قاصر». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

۲. پرسشگری

یکی از ویژگی‌های شخصیت خلاق این است که هر پیش‌فرض را مورد سؤال قرار می‌دهد و شیوه‌های معمول تفکر را انکار میکند. (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۱۶۰) درواقع، هر چیزی برای آنها مبهم به نظر میرسد و برای رفع این ابهام، پرسشگری را آغاز میکنند. این موضوعی است که در افرادی با استعداد و نوآوری بالا به روشنی دیده میشود. برای آنها بسیاری از پدیده‌ها، مطلق و قطعی نیستند. درنتیجه، با سؤال کردن میکوشند اطلاعات جامعتری در ارتباط با مسائل گوناگون به دست آورند.

در باب شیر و گاو، نصرالله منشی شخصیتها را بگونه‌ای به تصویر کشیده است که در آن پرسشهای بسیاری مطرح میکنند. این بدان معناست که آنها منفعل، باورپذیر صرف و سطحی نیستند و با روحیه کنجکاوانه‌ای که دارند، درصدد رسیدن به قطعیت هستند. درواقع، با تکاپوی ذهنی خودشان، به دنبال حقیقت و آشکار شدن ابهامات ذهنی هستند، نه آنکه ایستا و تسلیم، از دیگران بشنوند و عمل کنند. این نکته‌ای آموزشی و مهم است که نصرالله منشی هوشمندانه در بخشهای گوناگون باب شیر و گاو مورد نظر قرار داده است. بر این اساس، زمانی که کلیله و دمنه متوجه میشوند که شیر مدتی از جایگاه خود حرکت نمیکند و یک جا ساکن شده است، شروع به پرسشگری میکنند تا علت را جویا شوند. نویسنده از طریق خلق این شخصیت‌های غیرانسان، سعی میکند مطلوبیات فرایند پرسش و پاسخ را به مخاطبان خود یادآوری کند و بصورت غیرمستقیم به آنها آموزش دهد که یکی از راه‌های کشف ابهامات ذهنی، برخورداری از روحیه پرسشگری است. انسان تا زمانی که نپرسد، قادر به حل مسئله و پرسش ذهنی خود نیست: «در میان اتباع او (شیر) دو شگال بودند، یکی را کلیله نام بود و دیگر را دمنه، و هر دو ده‌ای تمام داشتند. و دمنه حریص‌تر و بزرگ‌منش‌تر بود. کلیله را گفت: چه میبینی در کار ملک که بر جای قرار کرده است و حرکت و نشاط فرو گذاشته؟ کلیله گفت: این سخن چه بابت توست و تو را با این سؤال چه کار؟ و ما بر درگاه این ملک آسایشی داریم و طعمه‌ای مییابیم و از آن طبقه نیستیم که به مفاوضت ملوک مشرف توانند شد تا سخن ایشان به نزدیک پادشاهان محل استماع تواند یافت.» (کلیله و دمنه، باب پنجم)

دمنه و کلیله را میتوان دو مصداق و مثال مطلوب برای پرسشگری دانست. آنها در غالب موارد و با ظهور موقعیتهای گوناگون، در مقام پرسشگر یا سؤال‌شونده قرار میگیرند تا درنهایت، بواسطه مشورت و رایزنی، نتیجه مطلوب حاصل شود. بسیاری از کنشها و اقدامات دمنه با عنایت به اصل پرسشگری انجام شده است. از این رو، شخصیت‌هایی از این دست را میتوان الگوهای رفتاری و شخصیتی مناسب برای مخاطبان بویژه کودکان دانست. کودکی که اهل اندیشه باشد، قادر به خلق پرسش در ذهن خود و طرح آن است. در غیر این صورت، فردی که ایستا و بیگانه با اندیشه باشد، ابهامی نخواهد داشت که براساس آن، سؤالی طرح کند. در باب شیر و گاو، دمنه درصدد نزدیک شدن به شیر است. او از کلیله یاری میجوید و شرایط را با طرح سؤالی میسنجد و پس از گفت و شنود با طرف مقابل، تصمیم نهایی خویش را اتخاذ میکند: «کلیله گفت: چیست این رای که اندیشیده‌ای؟ گفت: نمیخواهم که در این فرصت خویشتن را بر شیر عرضه کنم که تردد و تحریر بدو راه یافته است، و او را به نصیحت من تفرجی حاصل آید و بدین وسیله قریب و جاهی یابم. کلیله گفت: چه میدانی که شیر در مقام حیرت است؟ گفت: به خرد و فراست خویش آثار و دلایل آن میبینم که خردمند به مشاهدت ظاهر هیأت، باطن را بشناسد.» (کلیله و دمنه، باب پنجم) در گستره تفکر فلسفی این موضوع اهمیت مییابد که انسان اندیشمند، اهل پرسشگری خواهد بود. «تفکر با پاسخ دادن تحریک نمیشود، ولی با مطرح کردن سؤال تحریک میشود. شما زمانی فکر میکنید و یاد میگیرید که سؤال داشته باشید.» (فیشر، ۱۳۸۵: ۱۱۱) بنابراین، بخش مهمی از فرایند آموزش و یادگیری با سؤال کردن گره خورده

و ارتباط مستقیم دارد.

در باب شیر و گاو، دمنه را میتوان یکی از شخصیت‌های برجسته در امر پرسشگری دانست. او برای خود یک هدف کلی ترسیم کرده و آن، نزدیک شدن به شیر و رسیدن به مقام بالاتر است. او از کاستی‌های شخصیتی خود آگاه است. از این رو، برای رفع این نقص، از اندیشه دیگران کمک میگیرد. بدین منظور، او سؤال میکند تا داشته‌های درونی خود را بروز دهد و با شنیدن دیدگاه طرف مقابل، پیش برود. در مجموع، پرسشگری را میتوان یکی از سویه‌های اصلی در کنشهای دمنه دانست. روحیه پرسشگری این حیوان نشان از مسئله‌محوری او دارد. در واقع، دمنه موضوعی را در ذهن میپروراند و برون‌داد آن، سؤالهایی میشود که بر زبان می‌آورد. نتایجی که در هر مرحله از پرسشگری برای دمنه حاصل میشود، در ترغیب مخاطب به انجام این کنش، اثری مستقیم دارد: «شنزبه ترحیب تمام نمود و گفت: روزهاست تا ندیده‌ام، سلامت بوده‌ای؟ دمنه گفت: چگونه سلامت تواند بود کسی که مالک نفس خود نباشد، اسیر مراد دیگران و همیشه بر جان و تن لرزان، یک نفس بی‌بیم و خطر نزنند و یک سخن بی‌خوف و فرع نگویند؟ گاو گفت: موجب نومیچی چیست؟ گفت: آنچه در سابق تقدیر رفته است ... کیست که با قضای آسمانی مقاومت یارد پیوست؟ و در این عالم به منزلتی رسد و از نعمت دنیا شربتی در دست او دهند که سرمست و بیباک نشود؟ و بر پی هوا قدم نهد و در معرض هلاک نباشد؟ و با زنان مجالست دارد و مفتون نگردد؟ ... و صحبت سلطان اختیار کند و به سلامت جهد». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

۳. قیاس و سنجش

یکی از دستاوردهای تفکر فلسفی این است که برای مخاطب، امکان مقایسه بین دو پدیده را فراهم می‌آورد. فردی که از اندیشه‌ای فلسفی برخوردار است، بخوبی میتواند نقاط مطلوب و ضعف پدیده‌ها را دریابد و به نقد آن بپردازد. کیفیت قیاس و سنجش زمانی در افراد نمودار میشود که بتوانند وجوه اشتراک و افتراق بین پدیده‌ها و روابط موجود میان آنها را تحلیل کنند.

در باب شیر و گاو، بارها از روش سنجش و قیاس برای تبیین مسائل گوناگون استفاده شده است. نصرالله منشی در غالب موارد برای سمت‌وسو بخشیدن به اندیشه مخاطبان، وضعیت آنها را در قالب تمثیل بازنمایی کرده است. این امر، امکان درک میان شرایط فرد و شخص مشابه او را فراهم می‌آورد. در واقع، مخاطب با شنیدن ماجرای رای هند و برهمن، خود را بجای آن شخصیتها قرار میدهد و نکته‌های مطلوب این گفتمان را از راه قیاس، درمییابد: «رای هند فرمود برهمن را که بیان کن از جهت من، مثل دو تن که با یکدیگر دوستی دارند و به تضریب نام خائن بنای آن خلل پذیرد و به عداوت و مفارقت کشد. برهمن گفت: هرگاه که دو دوست به مداخلت شریری مبتلا گردند، هر آینه میان ایشان جدایی افتد». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

دمنه در کتاب نصرالله منشی، شغالی ناآگاه است و کلیله، نماد خردمندی و دانایی محسوب میشود. او حکایتی را بازگو میکند تا این مفهوم را بازنمایی کند که افراد برای انجام هر کاری باید از تخصص لازم برخوردار باشند. این تمثیلها و داستانها قدرت قیاس را در مخاطب تقویت میکند و با ایجاد حالت مقایسه‌ای، شنونده را با مفاهیم اخلاقی متنوع آشنا کند. کلیله داستان بوزینه و درودگر را برای تبیین مفهوم مذکور شرح میدهد: «بوزنه‌ای درودگری را دید که بر چوبی نشسته بود و آن را میبیرد و دو میخ پیش او، هرگاه که یکی را بکوفتی دیگری که پیشتر کوفته بودی، برآوردی. در این میان، درودگر به حاجتی برخاست، بوزنه بر چوب نشست از آن جانب که بریده بود، اُنْتَبین در شکاف چوب آویخته شد و آن میخ که در کار بود، پیش از آنکه دیگری بکوفتی، برآورد. هر دو شق چوب بهم

پیوست، اُنْثَیْنِ او محکم در میان بماند، از هوش بشد. درودگر بازرسید، وی را دست بردی سره بنمود تا در آن هلاک شد. و از اینجا گفته‌اند: درودگری کار بوزنه نیست». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

دمنه باور دارد که به کار بردن حیل برای رسیدن به هدف و از میان برداشتن رقیب، کاربردیت‌تر و اثرگذارتر از برخورد و رویارویی فیزیکی است. برای درک هرچه بهتر این مفهوم، تقابل میان مار و زاغ بازنمایی میشود که در حکم تمثیل است. نویسنده سعی میکند با ایجاد دنیای موازی که شخصیت‌های آن، جانوران هستند، مفاهیم عمیق انسانی را به مخاطبان خود انتقال دهد: «آورده‌اند که زاغی در کوه بر بالای درختی خانه داشت و در آن حوالی سوراخ ماری بود، هرگاه که زاغ، بچه بیرون آوردی، مار بخوردی ... [شگال گفت:] من تو (زاغ) را وجهی نمایم ... صواب آن مینماید که در اوج هوا پرواز کنی و در بامها و صحراها چشم می‌اندازی تا نظر بر پیرایه‌ای گشاده افکنی که ربودن آن میسر باشد ... هموارتر میروی، چنانکه از چشم مردمان غائب نگردی. چون نزدیک مار رسی بر وی اندازی تا مردمان ... نخست تو را بازهانند، آنگاه پیرایه بردارند ... مردمان که در پی زاغ بودند، در حال سر مار بکوفتند و زاغ بازرسست». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

۴. تجزیه و تحلیل

افرادی برخوردار از قدرت تحلیل و تجزیه، قادر به کشف و تفسیر و بازنمایی پیوند الگوهای معنادار هستند. اگر این ویژگی مطلوب که برآیند تفکر فلسفی به حساب می‌آید، در کودک تقویت پیدا کند از او شخصیتی با ذهنی نظام‌مند میسازد. «کودک موجودی مستقل از محیط اطرافش نیست و حضور و حیات او وابسته به عوامل و زمینه‌های متعددی است که شاید در همه امور عینی نیستند، اما میتواند بخوبی آنها را درک و استنباط کرده و تجزیه و تحلیل کند». (ناجی، ۱۳۸۷: ۷۸) بنابراین، قدرت تحلیل امکان شناخت مطلوبتری از دنیای اطراف را فراهم میکند.

در باب شیر و گاو، دمنه زمانی که به درگاه شیر درمی‌آید، دائماً به تجزیه و تحلیل موقعیت خود و نیز، واکنشهای احتمالی شیر در ارتباط با رفتار و سخن خود میپردازد و شرایط را بررسی میکند تا بتواند بهترین عملکرد را نزد شیر داشته باشد و خود را به او نزدیکتر کند. او همواره در حال کشف و پیدایی روابط موجود در ساختار قدرت در جنگل است و شیر را بعنوان نمود اصلی قدرت و در رأس هرم قدرت تشخیص داده و براساس آن، راهکارهای موجود برای قرابت را در نظر آورده است. دمنه از مصداقها و نشانه‌های گوناگون بهره‌برداری کرده و به تفکر در ارتباط با آن میپردازد تا با تکیه بر تحلیل و تجزیه داده‌ها، تصمیمهای مؤثری اتخاذ کند: «دمنه بدین سخن شاد و دانست که افسون او در گوش شیر مؤثر آمد، گفت: واجب است بر کافه خدم و حشم ملک که آنچه ایشان را فراز آید از نصیحت بازنمایند و مقدار دانش و فهم خویش معلوم رای پادشاه گردانند». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

این نکته را باید در نظر داشت که «تفکر در خلأ عاطفی شکوفا نمیشود. تفکر فعالیتی است که مستلزم داشتن هدف و نیروی محرک است و ارتباط عقل با عاطفه نیز، نخستین انگیزه برای یادگیری و رشد هوش را فراهم میکند». (فیشر، ۱۳۸۵: ۱۶) بنابراین، تفکر زمانی شکل میگیرد که همراه با تجزیه و تحلیل باشد و داده‌های گوناگون در آن مورد نظر قرار گرفته باشند.

در باب شیر و گاو، دمنه در تلاش است تا گاو را از پیشروی خود بردارد و بدون رقیب به مقام بالاتری نزد شیر دست پیدا کند. در ارتباط با چگونگی حذف فیزیکی گاو، گفتگویی میان دمنه و کلیله درمیگیرد تا با تحلیل ابعاد گوناگون این اقدام، کاری که درست‌تر به نظر میرسد انجام شود. درنهایت، بواسطه تحلیل‌های عاقلانه این نتیجه به

دست می‌آید که از رویارویی و درگیری زورمدارانه پرهیز شود؛ زیرا کامیابی با گاو خواهد بود. در عوض، برخورد غیرمستقیم و هوشمندانه پیشنهاد میشود. این شخصیتها با درک این مهم که در گذشته چه اتفاقی به وقوع پیوسته است، بر روی آینده متمرکز شده‌اند: «کلیده گفت: دانستم، لکن چگونه در هلاک گاو سعی توانی پیوست و او را قوت از تو زیادت است و یار و معین بیش دارد؟ دمنه گفت: بدین معانی نشاید نگرست که بنای کارها به قوت ذات و استیلای أعوان نیست ... و آنچه به رای و حیلت توان کرد، به زور و قوت دست ندهد و به تو نرسیده است که زاعی به حیلت مار را هلاک کرد؟». (کلیده و دمنه، باب پنجم)

دمنه بعنوان یکی از مشاوران ارشد شیر، پیوسته در حال بازنمایی مؤلفه‌های حکمرانی برای اوست. افزون بر این، ضعفهای یک حاکم را شرح میدهد و به تحلیل همه شرایط میپردازد تا شیر با تکیه بر این تجزیه و تحلیل، بتواند تصمیمهایی منطقی اتخاذ کند. دمنه با در نظر گرفتن داده‌های رفتاری، شیوه کنشگری شیر و تغییر چگونگی مدیریت بحرانهای احتمالی از سوی این حیوان را بازنمایی میکند. دمنه با تکیه بر عنصر تجزیه و تحلیل، به شکل برجسته‌ای نوع نمایه‌های رفتاری موفق و غیرموفق پادشاهان را بعنوان صاحبان قدرت، شرح میدهد تا در نهایت، راهکارهایی را برای اتخاذ تصمیم مؤثر از سوی شیر ارائه کند: «و عاجزتر ملوک آن است که از عواقب کارها غافل باشد و مهمات ملک را خوار دارد، و هرگاه که حادثه بزرگ افتد و کار دشوار پیش آید، موضع خزم و احتیاط را مهمل گذارد و چون فرصت فایت گشت و خصم استیلا یافت، نزدیکان خود را متهم گرداند و به هریک حواله کردن گیرد». (کلیده و دمنه، باب پنجم)

۵. حل مسئله

زمانی که مسئله‌ای در ذهن ایجاد میشود، شخصیت‌های پویا سعی میکنند آن را حل کنند و به دنبال پاسخی مناسب برای آن باشند. «مهارت حل مسئله فرایندی شناختی برای یافتن راه‌حل مناسب و رسیدن به اهداف است. مسئله‌ها عموماً در موقعیتی نامعین و متناقض ایجاد میشوند و تعیین‌کننده فاصله موجود با وضعیت مطلوب هستند. حل مسئله نوعی یافتن جواب یا جوابهایی برای یک سؤال است». (برزکار، ۱۳۹۷: ۱۹۱) بنابراین، هر اندازه شناخت آدمی افزایش محسوسی داشته باشد، توانایی او برای حل کردن مسائل نمود بیشتری پیدا میکند. در باب شیر و گاو، هنگامی که دمنه خود را به شیر نزدیک میکند و اعتماد وی را به دست می‌آورد، درباره دلیل ایستایی و عدم تحرک شیر میپرسد و علت را جویا میشود. شیر از آوازی بلند که در دل او هراس ایجاد کرده است، سخن میگوید و به نوعی، مسئله‌ای که ذهن وی را درگیر کرده است، بیان میدارد. دمنه میکوشد تا این مسئله را حل کند و راهکاری برای آن پیدا کند: «دمنه گفت: جز بدین آواز، ملک را از وی هیچ ریبه دیگری بوده است؟ گفت: نی. گفت: نشاید که ملک بدین موجب مکان خویش خالی گذارد و از وطن مألوف خود هجرت کند؛ چه گفتند: که آفت عقل تصلف است و آفت مروت چربک و آفت دل ضعیف آواز قوی. و در بعضی امثال دلیل است که بهر آواز بلند و جثه قوی التفات نشاید نمود. شیر گفت: چگونه است آن؟ گفت: آورده‌اند که روباهی در بیشه‌ای رفت، آنجا طبلی دید ... هرگاه که باد بجستی شاخ درخت بر طبل رسیدی، آوازی سهمناک به گوش روباه آمدی ... [حیوان] میکوشید تا آن را بدرید، الحق چربوی بیشتر نیافت ... گفت: بدانستم که هر کجا جثه ضخمت‌تر و آواز آن هائلتر، منفعت آن کمتر. و این مثل بدان آوردم تا رای ملک را روشن شود که بدین آواز متقسّم خاطر نمیاید شد». (کلیده و دمنه، باب پنجم)

زمانی که دمنه منشأ ترس شیر را هویدا میسازد و موفق به کشف آن میشود، ارتباطی عمیق میان شیر و گاو شکل

میگیرد و دمنه جایگاه خود را نزد شیر از دست میدهد. در نتیجه، به فکر می‌افتد تا برای حل این مشکل، چاره‌ای بیندیشد. او در انجام این کار، با کلیله مشورت میکند تا با همفکری او بتواند به راه‌حل متقن و مطمئنی دست پیدا کند. نصرالله منشی بصورت تلویحی بیان میدارد که برخورداری از قدرت حل مسائل منجر به رشد و ارتقای جایگاه افراد میشود: «دمنه گفت: ... اکنون تدبیر خلاص من چگونه میبینی؟ کلیله گفت: تو چه اندیشیده‌ای؟ گفت: می‌اندیشم که به لطایف حیل و بدایع تمویهات گرد این غرض درآیم ... و به حیل، در پی گاو ایستم تا پشت زمین را وداع کند و در دل خاک، منزلی آبادان گرداند که فراغ دل و صلاح کار شیر در آنست؛ چه در ایثار او افراط کرده است و به رکت رای منسوب گشته». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

شخصیتهایی که قادر به حل مسئله باشند، بخوبی میتوانند از جایگاه مطلوبی برخوردار شوند و محبوبیت خاصی به دست بیاورند. «با آموزش حل مسئله و به تبع آن، تغییر شناخت کودکان میتوان پذیرش اجتماعی، برقراری ارتباط مناسب با همسالان و کنترل خشم را در آنها افزایش داد و بسیاری از مشکلات اجتماعی از جمله رفتار ضداجتماعی و لجبازی را تا حدودی کم کرد» (والاس و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۶) و از آنها شخصیتهایی هنجارپذیر ساخت.

در باب شیر و گاو، زمانی که دمنه از تصمیم قطعی شیر برای قلع شنبه مطمئن میشود، برای آنکه نقشه‌اش بر ملا نشود و به دروغگویی متهم نگردد، تصمیمی دیگر میگیرد و برای عدم ابتلا به بحرانی دیگر، تلاش میکند. او بواسطه برخورداری از قدرت حل مسئله، همواره در موضعی برتر نسبت به دیگر حیوانات قرار میگیرد و از لحاظ فکری، بطور کامل تسلط دارد: «دمنه دانست که اگر این سخن بر شنبه ظاهر کند، در حال براءت ساحت و نزاهت جانب خویشتن ظاهر گرداند و دروغ و مکر او معلوم شود. گفت: این باب از حزم دور باشد و مادام که گفته نیامده است محل خیار باقی است، پس از اظهار، تدارک ممکن نگردد». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

۶. تصمیم‌گیری

زمانی که فرد میدانند با چه پدیده و مسئله‌ای مواجه است و راه‌های منطقی برونرفت از دشواریهای پیش‌آمده را میداند، قطعاً قادر به اتخاذ تصمیمهای مطلوب خواهد بود. کسانی که نسبت به یک موضوع از توانایی مطلوبی برخوردار باشند و آگاهانه رفتار کنند، از قدرت تصمیم‌گیری برخوردار هستند. «ذهن فلسفی فرد را آماده میکند تا با فکر درست و منطقی به تصمیم‌گیری در امور مختلف روی بیاورد» (سیف‌هاشمی و رجاییپور، ۱۳۸۳)؛ زیرا فرد کاملاً به خودباوری رسیده است.

در باب شیر و گاو، کلیله در گفتگویی که با دمنه دارد، او را از نزدیک شدن به شیر برحذر میدارد و آسیبهای آن را بیشتر از سودمندیهای آن میداند. دمنه هم دلایل خود را برمی‌شمارد و سعی میکند ابعاد مثبت این کار را برجسته‌تر نشان دهد. پس از این گفتمان دوسویه، در نهایت کلیله انجام تصمیم نهایی را بر عهده دمنه میگذارد. در این فرایند، اطلاعات در اختیار فرد مقابل گذاشته میشود و با عنایت به احاطه او نسبت به شرایط، تصمیم اتخاذ میشود: «کلیله گفت: ایزد تعالی خیر و خیرت و صلاح و سلامت بدین عزیمت، هرچند من مخالف آنم، مقرون گرداناد. دمنه برفت و بر شیر سلام گفت. از نزدیکان خود پرسید که این کیست؟ جواب دادند که فلان پسر فلان». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

دمنه برای آنکه گاو را از پیش روی خود بردارد و بدون رقیب بتواند به شیر نزدیک شود، نقشه‌ای را طراحی میکند و براساس آن، سعی میکند شیر را نسبت به شنبه بدبین کند. او تمامی زمینه‌های لازم را برای رسیدن به این

هدف فراهم می‌آورد و با اشاره به توطئه گاو علیه شیر و همدستی با سران لشکر، شیر را در موقعیت تصمیم‌گیری نهایی قرار میدهد. درواقع، او مقدمات لازم را فراهم می‌آورد تا درنهایت، تصمیمات شاه بگونه‌ای رقم بخورد که در راستای منافع دمنه قرار گیرد. نصرالله منشی با عنایت به کنشهای شخصیت‌های داستان ذیل بیان میدارد که تصمیم‌گیری به معنای شناسایی و برگزیدن موارد اصلی با توجه به ارزشها و ترجیحات فرد تصمیم‌گیرنده است. شیر بواسطه توضیحات دمنه جایگزین‌هایی را در اختیار شیر قرار میدهد و او سعی میکند براساس بیشترین احتمال کامیابی و اثربخشی و نیز، تناسب لازم با هدفها راه مناسبی را انتخاب کند: «و این مثل بدان آوردم تا ملک را مقرر شود که در کار شنبه تعجیل واجب است. و پادشاه کامگار آن باشد که تدبیر کارها پیش از فوت فرصت و عدم مکتت بفرماید ... شیر گفت: معلوم شد». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

به دلیل توضیحاتی که دمنه بیان میدارد، شیر تصمیم میگیرد تا گاو را از میان بردارد. درواقع، دمنه مهمترین راه‌های رسیدن به موفقیت را بازگو میکند و اهداف طرف مقابل یعنی شنبه را هم بازنمایی میکند تا درنهایت، شیر براساس منافع خود تصمیم نهایی را اتخاذ کند: «و چون دمنه دمنه بر شیر اثر کرد، گفت: در این کار چه بینی؟ جواب داد که چون خوره در دندان جای گرفت از درد او شفا نباشد، مگر به قلع». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

۷. مهارت کشف

یکی از مهمترین سودمندبهای تفکر فلسفی این است که فرد میتواند مهارت کشف کردن را بیاموزد. درواقع، او به شخصیتی کنجکاو بدل میشود که راه‌های رسیدن به نامشوفات را فراگرفته است. از سوی دیگر، «هر نویسنده یا شاعر دارای فلسفه‌ای است که خواسته یا ناخواسته در متنی که آفریده است، مستتر است». (خسرونژاد، ۱۳۸۶)

کسانی که با قواعد مرتبط با اندیشه فلسفی آشنا شوند، ساده‌تر میتوانند این فلسفه را درک و تبیین کنند. در باب شیر و گاو، مهارت کشف پدیده‌های مبهم، بارها بازنمایی شده است. برای مثال، دمنه یکی از بزرگترین رازهای شیر را که مدتهای مدیدی ذهن او را به خود مشغول داشته است، کشف میکند و اضطراب شیر را از بین میبرد. شیر با شنیدن صدایی مهیب دچار هراس شده و دچار اضمحلال رفتاری و فکری میشود. کشف این دغدغه ذهنی از سوی بی‌پاسخ میماند تا اینکه دمنه رمزگشایی کرده و پرده از رازها میگشاید. جالب این است که شاهد نوعی دگردیسی در نمادها در باب شیر و گاو هستیم. در متون دیگر، شیر نماد صلابت و قدرت است و دیگران به او تکیه میکنند، اما در این بخش از کلیله و دمنه، شغال بعنوان رمز و نمادی از خردمندی، کاشف بودن و قدرت فکری شناخته میشود که این جایگاه را میتوان یکی از برآیندهای مجهز بودن به تفکر فلسفی دانست: «شیر در این فکر مضطرب گشت، میخاست و مینشست و چشم به راه میداشت. ناگاه دمنه از دور پدید آمد. اندکی بیارامید و بر جای خویش قرار گرفت. چون بدو پیوست، پرسید که: چه کردی؟ گفت: گاوی دیدم که آواز او به گوش ملک میرسید ... دمنه گفت: ملک کار او را چندین وزن ننهد و اگر فرماید بروم و او را بیاورم تا ملک را بنده‌ای مطیع و چاکری فرمانبردار باشد. شیر از این سخن شاد شد و به آوردن او مثال داد». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

پس از اینکه گاو میشوند که شیر قصد کشتن او را دارد، به دنبال دلیل این کار میگردد و دلایل گوناگون را با خود حلّاجی میکند تا درنهایت، علت این تصمیم را کشف کند. او ابتدا عدم آگاهی خود را از این پیشامد مطرح میکند و درواقع، طرح مسئله میکند و سپس، با ذکر سناریوهای گوناگون، راه‌های کشف این ابهام را میازماید. این قدرت استدلالگری شنبه نشان از مهارتهای او در کشف رازهای ناگشوده دارد و میتواند راه‌های گوناگون را برای حل و رفع ابهامات بیازماید و مورد آزمایش قرار دهد. اگرچه علم و دانش اهمیت بسیاری دارد، ولی بتنهایی در رسیدن

به هدف، مؤثر نیست. در زمان بروز بحرانها، مهارت کشف به همراه دانش میتواند نتیجه‌ای مطلوب را حاصل کند و مایهٔ رشد و تعالی شخصیت افراد شود: «و نمیدانم در آنچه میان من و شیر رفته است ... و اگر بر من خطایی خواهد شمرد، جز آن نمیشناسم که در رایها جای‌جای برای مصلحت او را خلاقی کرده‌ام، مگر آن را بر دلیری و بیحرمتی حمل فرموده است ... با این همه، البته بر سر جمع نگفته‌ام ... و چگونه گمان توان داشت که نصیحت سبب وحشت و خدمت موجب عداوت گردد؟ ... و اگر این هم نیست، ممکن است که سمرات سلطنت و ملال ملوک او را برین باعث می‌باشد ... و نیز شاید بود که هنر من سبب این کراهیت گشته است». (کلیله و دمنه، باب پنجم)

نتیجه‌گیری

نصرالله منشی سعی کرده است در باب مذکور با تکیه بر مؤلفه‌هایی چون: شخصیت‌سازی، روایت‌پردازی و ... بسیاری از مفاهیم را به زبانی ساده بازگو کند. مفاهیمی که درنهایت، منجر به تولید اندیشهٔ فلسفی و رشد مهارت‌های زیستی در کودکان میشود. این روشها عبارت است از: تصمیم‌گیری؛ حل مسئله؛ تجزیه و تحلیل؛ قیاس و سنجش؛ پرسشگری؛ مهارت کشف؛ استدلال. بازتاب این مؤلفه‌های اندیشه‌زا در باب شیر و گاو از کلیله و دمنه، باعث رشد جنبه‌های شناختی، عاطفی و فکری در کودکان شده و آنها را به شخصیت‌هایی قدرتمند در عرصهٔ تحلیل مسائل عمیق انسانی تبدیل کرده است. در کلیت روایت، پرسشهای بسیاری میان شخصیت‌های داستان درمیگیرد تا موقعیتهای گوناگون، بررسی شود. همهٔ افراد فارغ از اینکه در موضع ضعف یا قدرت قرار دارند، برای خلاص شدن از ابهامات ذهنی خود، سؤالاتی را مطرح میکنند و به دنبال پاسخ آن میگردند. همچنین، تمثیلهای داستانی بسیاری در این باب مطرح شده است که نشان میدهد نویسنده از طریق ایجاد موقعیتهای و شخصیت‌های موازی، نوعی درک و شناخت در مخاطبان ایجاد میکند. از این رو، در نگاه کلی، اصیلترین مؤلفه‌های تفکر فلسفی در این حکایت، روحیهٔ پرسشگری و قیاس و سنجش است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دورهٔ دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور استخراج شده است. سرکار خانم دکتر محبوبه ضیاء‌خدادادیان راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند که در این پژوهش ۱۵٪ سهم داشته‌اند. سرکار خانم شیوا ناشودی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی ۸۰٪ نقش داشته‌اند. آقای دکتر فرزاد عباسی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش ۵٪ نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از راهنماییهای ارزندهٔ سردبیر محترم مجلهٔ بهار ادب و همکاران ایشان در نشریه، که در تصحیح و تکمیل مقاله بنده را یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. همچنین از حمایت‌های خانوادهٔ عزیزم و همهٔ کسانی که در راه کسب دانش راهنمایم بودند، بی‌نهایت سپاسگزارم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Akbari, Ahmad (2011). *Philosophy for children p4c; Philosophical themes in the stories of classical texts of Persian literature*, doctoral dissertation of the Department of Educational Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, supervisor: Tahereh Javidi Kalate Jafarabadi.
- Akbari, Ahmad and Masoudi, Jahangir (2014). "Philosophy for children: approaches of religious education to teaching thinking", *Basics of Education Magazine*, Vol 4, No 2, pp. 117-136.
- Akbari, Ahmad and Javidi Kalate Jafarabadi, Tahereh and Shabani Warki, Bakhtiar and Tagavi, Mohammad (2011). "Philosophy for children p4c; Philosophical themes in the stories of classical texts of Persian literature", *Thought and Child Magazine*, Vol 3, No 2, pp. 1-25.
- Amouzgari, Zeynab (2021). *Reading and intellectual adaptation of five selected books of classical texts suitable for the philosophy for children program or p4c* (SiasatName, QaboosNameh, Kelileh and Demneh, MarzbanNameh and SindbadNameh), Ph.D. thesis of the Department of Persian Language and Literature, Urmia University, supervisor: Bahman Noz'hat.
- Barzkar, Ibrahim (2017). *An introduction to cognitive issues*, Tehran: Artineh.
- Fisher, Robert (2015). *Teaching thinking to children*, translated by Masoud Safayi Moghadam and Afsana Najjarian, Tehran: Rasesh.
- Jafari, Zohre and Samadi, Parvin and Qaedi, Yahya (2014). "Investigation of the effect of teaching philosophy to children on developing the spirit of research", *Journal of Research in Curriculum Planning*, No 44, pp. 41-49.
- Karimi, Hosein (2004). *Criticism of philosophical views and foundations in the program of teaching philosophy to children*, Shiraz: Shiraz University.
- Khosrownejad, Morteza (2003). *innocence and experience; An introduction to the philosophy of children's literature*, Tehran: Markaz.
- _____ (2007). "A reflection on the coexistence of children's literature and philosophy", *Journal of Educational Innovations*, Vol 6, No 20, pp. 109-124.
- Monshi, AbulMa'ali Nasrollah (2012). *Kelileh and Demneh*, corrected by Mojtaba Minavi, 2edition, Tehran: Sales.
- Naji, Saeed (2008). *Philosophical exploration for children*, Tehran: Research Institute of Human Sciences.

- SafayiMoghadam, Massoud (1998). "Philosophy educational program for children", Journal of Humanities of Al-Zahra University, No 26, pp. 161-184.
- Seif Hashemi, Fakhr alSadat and Rajayipour, Saeed (2004). "Investigation of the relationship between philosophical mindset and creativity of secondary school principals in Isfahan city", Journal of Education and Training, No. 77, pp. 31-64.
- SamKhaniyany, AliAkbar and Shayan Seresht, Akbar and Sheikhy, Tahereh (2019). "Philosophical thinking skills in the poetry of children and teenagers by GHolamreza Baktash and Naser Keshavarz", Thinking and Children Magazine, Vol 15, No 2, pp. 83-113.
- Walace, Bela and et al (2014). Thinking and problem solving skills, translated by Hosein Jafari Sani and others, Mashhad: BehNashr.

فهرست منابع فارسی

- آموزگاری، زینب (۱۴۰۰). خوانش و تطبیق فکری پنج کتاب برگزیده متون کلاسیک متناسب با برنامه فلسفه برای کودکان یا P4C (سیاستنامه، قابوسنامه، کلیله و دمنه، مرزباننامه و سندبادنامه)، رساله دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه، استاد راهنما: بهمن نزهت.
- برزکار، ابراهیم (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر موضوعات شناختی، تهران: آرتینه.
- اکبری، احمد (۱۳۹۱). فلسفه برای کودکان P4C: مضامین فلسفی در داستانهای متون کلاسیک ادب فارسی، رساله دکتری گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد، استاد راهنما: طاهره جاویدی کلاته جعفرآبادی.
- اکبری، احمد و مسعودی، جهانگیر (۱۳۹۳). «فلسفه برای کودکان: رویکردهای تربیت دینی به آموزش تفکر»، مجله مبانی تعلیم و تربیت، سال ۴، شماره ۲، صص ۱۳۶-۱۱۷.
- اکبری، احمد و جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره و شعبانی ورکی، بختیار و تقوی، محمد (۱۳۹۱). «فلسفه برای کودکان P4C: مضامین فلسفی در داستانهای متون کلاسیک ادب فارسی»، مجله تفکر و کودک، سال ۳، شماره ۲، صص ۱-۲۵.
- جعفری، زهره و صمدی، پروین و قائدی، یحیی (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان در پرورش روحیه پژوهشگری»، مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، شماره ۴۴، صص ۴۹-۴۱.
- خسرونزاد، مرتضی (۱۳۸۲). معصومیت و تجربه؛ درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک، تهران: مرکز.
- _____ (۱۳۸۶). «تأملی بر همنشینی ادبیات کودک و فلسفه»، مجله نوآوریهای آموزشی، سال ۶، شماره ۲۰، صص ۱۲۴-۱۰۹.
- سام‌خانیانی، علی‌اکبر و شایان‌سرشت، اکبر و شیخی، طاهره (۱۳۹۹). «مهارتهای تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان علامرضا بکتاش و ناصر کشاورز»، مجله تفکر و کودک، سال ۱۵، شماره ۲، صص ۱۱۳-۸۳.
- سیف‌هاشمی، فخرالسادات و رجاییپور، سعید (۱۳۸۳). «بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت مدیران مدارس متوسطه شهر اصفهان»، مجله تعلیم و تربیت، شماره ۷۷، صص ۶۴-۳۱.
- صفایی‌مقدم، مسعود (۱۳۷۷). «برنامه آموزشی فلسفه به کودکان»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۲۶، صص ۱۸۴-۱۶۱.
- فیشر، رابرت (۱۳۸۵). آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی‌مقدم و افسانه نجاریان، تهران: رسن.

کریمی، حسین (۱۳۸۳). نقد و بررسی دیدگاه‌ها و مبانی فلسفی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان، شیراز: دانشگاه شیراز.

منشی، ابوالمعالی نصرالله (۱۳۹۲). کلیله و دمنه، به تصحیح مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: ثالث.

ناجی، سعید (۱۳۸۷). کندوکاوی فلسفی برای کودکان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

والاس، بله و همکاران (۱۳۹۳). مهارت‌های تفکر و حل مسأله، ترجمه حسین جعفری ثانی و دیگران، مشهد: به‌نشر.

Vansieleghe, N (2010). «What is Philosophy for Children, How do We Have to Understand Her Critical Voice? From an Educational Experiment to Experimental Education», *Proceedings of 39th Annual Conference of the Philosophy of Education Society of Australasia*, Wellington, New Zealand.

معرفی نویسندگان

شیوا ناشودی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.
(Email: shivanashoody@gmail.com)

محبوبه ضیاء‌خدادادیان: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.
(Email: m.zia.khodadadian@iau_neyshabur.ac.ir: نویسنده مسئول)

فرزاد عباسی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.
(Email: javaaba@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Shiva Nashoodi: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabor, Iran.

(Email: shivanashoody@gmail.com)

Mahboubeh Zia Khodadadian: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabor, Iran.

(Email: m.zia.khodadadian@iau_neyshabur.ac.ir: Responsible author)

Farzad Abbasi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Neyshabur branch, Islamic Azad University, Neyshabor, Iran.

(Email: javaaba@gmail.com)